

ما حال مان خیلی بد است



عبدالجواد موسوی

شاعر و روزنامه‌نگار

ما حال مان خوب نیست، ممکن است عده‌ای شکم‌سیر الکی خوش بی هنر، حال‌شان خوش باشد اما حقیقت این است که حال عموم مردم خوش نیست، نه حزب‌اللهی راضی است، نه برانداز، نه روشنفکر راضی است، نه مردم کوچه و بازار، نه متدین راضی است، نه سکولار. نگویید از طرف مردم حرف نزن، قطعاً از طرف همه آن‌ها حرف نمی‌زنم، اما به‌عنوان یک‌نفر از همین مردم که اتفاقاً پیاده هم هست و در کوچه و خیابان هم بسیار گشت‌وگذار می‌کند و اقضا به‌واسطه شغلش با جماعت کتابخوان و اهل فرهنگ هم سروکار دارد و به‌دلیل اینکه برآمده از فرودست‌ترین محلات این سرزمین است، هنوز طبقه محروم و پابرنه را خوب می‌شناسد و باز از آن جایی که هیچ مرزی برای رفاقت و هم‌سخنی با مردم سرزمین خودش قائل نیست، در میان دوستانش از پیک‌موتوری و نوازنده کنسار خیابانی تا دکتر و مهندس واقعی یافت می‌شود، می‌توانم قاطعانه به شما بگویم: اکثر قریب به اتفاق این مردم حال‌شان خوب نیست، اصلاً حال‌شان خوب نیست، همه‌ی این حال بد را هم به حاکمیت نسبت نمی‌دهم، صدالبته که حکمرانی خوب می‌توانست نتیجه دیگری را در پی داشته باشد، اما همه تقصیر را متوجه حاکمیت نمی‌دانم.

شما هم قطعاً ترانه‌های پاپ دهه‌های ۴۰ و ۵۰ را شنیده‌اید، منظوم ترانه‌های درست و حسابی است که توانسته‌اند از پیچ‌وخم‌های خم‌اندر خم تاریخ بگذرند و هنوز هم به‌عنوان یک اثر خوب و هنری خودشان را به من و شما برسانند، درباره آن ترانه‌ها حرف و سخن بسیار است اما چیزی که الان می‌خواهم به آن‌ها اشاره کنم، بغض و اندوهی است که در اغلب آن‌ها وجود دارد، گویی ابرهای همه عالم شب و روز در دل ترانه‌سرا، خواننده و آهنگساز می‌گریسته‌اند، چنان فضایی تیره و تاری در بعضی از آن ترانه‌ها وجود دارد که با چندبار گوش کردن، دل‌تان می‌خواهد هر چه زودتر دنیا به پایان برسد و شما هم به‌قول مسعود کیمیایی یک جور درست و حسابی کلک‌تان کنده شود، چرا؟ چرا باید ترانه‌سرا نبویسد: داره از ابر سیاه خون می‌چکه، جمعه‌ها خون جای بارون می‌چکه، چرا باید آهنگساز آن آهنگ محزون و به‌غایت غمناک را برای این ترانه بسازد و چرا باید خواننده جوهری آن را بخواند که خون به جگر بشوید؟ حالا دیگر همه ما می‌دانیم که اگر روز و روزگار بر مراد عامه مردم نبود، این بزرگواران که چنین ترانه‌هایی را برای من و شما تدارک می‌دیدند، روزگار خوشی را از سر می‌گذرانند. به شهادت اسفندیار منفردزاده، وقتی همین بزرگواران راهی دیار غربت می‌شوند و تازه روزگار تلخ‌شان آغاز می‌شود، شروع می‌کنند به شیش و هشت زدن و مردم را به فر و قمیش و داشتن، چرا؟ چون مخاطب به آن‌ها می‌گفته، پس کنیت مویه، آه و ناله را، حال مان از آن جور موسیقی گرفته می‌شود. این جا دیار غربت است و خبیان‌گران چیزی بنوازند و بخوانند که ما را وقت خوش شود! و فکرش را بکنید آهنگساز ترانه‌هایی مثل «مرد تنها»، «جمعه» و «یه شبت مهتاب»، حالا باید در اوج غربت، آوازی و تنهایی برای مخاطبان در به در ایرانی آهنگ قرتو ترم فرارونه بنوازند. حقیقتاً که: صعب‌روزی، بوالعجب‌کاری، پریشان‌عالمی.

این مثال را زدم تا بگویم ما ایرانی‌ها سابقه رفتارهای عجیب و ناپنجبار را داریم و گاهی نمی‌دانیم کی باید خوش باشیم و کی ناراحت. شاید به بلد نیستیم احساسات‌مان را به نمایش بگذاریم، شاید هم نوعی وانکش منفی به همه چیز نشان می‌دهیم، همین الان که گمان می‌کنم ناراضیانی از وضع موجود به اوجش رسیده و حال کمتر کسی خوش باشد، استقبال از فیلم‌های به شدت سرخف کفاهی می‌سابقه است، یعنی اگر کسی بخواهد از روی این فیلم‌ها و میزان استقبال مردم از آن‌ها مردم ما را قضاوت کند احتمالاً سخت به بیراهه خواهد رفت. همین الان که ما به یاری همدیگر و همدردی با هم بیش از هر وقت دیگری محتاجیم فضای کین‌توانه و انتقام‌گیری در فضای مجازی بیداد می‌کند، همین الان که به فکر کردن بیش از هر وقت دیگری نیاز داریم رسماً اهل فکر توسط لمپن‌ها تحقیر می‌شوند و خیلی‌ها هم بابت چنین اتفاقی جشن می‌گیرند.

چه باید کرد؟ نمی‌دانم اما این را می‌دانم که حال مان خوش نیست و اول از همه باید بپذیریم این معضل را، دیگر اینکه به‌جای مقصر دانستن حکومت در همه امور کمی هم به حال و روز خود بیاندیشیم، برای نقد حکومت و مقصر دانستن آن همیشه دلیل و مدرک به‌اندازه کافی وجود دارد، اما مقصر دانستن مسئولان باری را از روی دوش ما برنخواهد داشت. مانیز مردمی هستیم و به‌قدر خود سهیمی در این نابسامانی و حال خرابی داریم، اگر بخواهیم مدام در پی مقصر باشیم تا خود را فرشته جلوه دهیم و دیگری را شیطان، اگر ۱۰۰ بار دیگر هم حکومت عوض شود در حال و روز ما تغییری رخ نخواهد داد، یکبار دیگر در حرف‌های اسفندیار منفردزاده تأمل کنیم؛ جالب است.

۱۶ ساعت ۲۴ HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline
https://t.me/hammihanonline
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمدجواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی‌نبار، حرفه‌چینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آژهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آژهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



نام‌گذاری‌های چند میلیارد تومانی

به بهانه انتشار خبر افزودن ۳ مناسبت جدید به تقویم رسمی



سید مهدی‌یار موسوی

خبرنگار فرهنگ

وقتی نام شورایی انقلاب فرهنگی را در سیر اخبار رسمی منتشرشده طی چندماه گذشته جست‌وجو می‌کنیم، بیش‌ترین نتایجی که به دست می‌آید، مصوباتی همچون اقدام برای تغییرنام شرکت‌های تولید و توزیع دخانیات و سیگار و ایجاد مناسبت‌ها و نام‌گذاری‌های جدید در تقویم رسمی کشور از قبیل تغییرنام «شب یلدا» یا «چهارشنبه‌سوری» است. طی روزهای گذشته نیز در خبرها اعلام شد که چند مناسبت جدید از جمله ۱۲ دی ماه، تحت عنوان روز علوم انسانی اسلامی و بزرگداشت مصباح یزدی، ۱۵ مهرماه، روز حماسه طوفان الاقصی و ۲۵ مهرماه، روز نسل‌کشی زنان و کودکان فلسطینی، توسط شورایی انقلاب فرهنگی به تقویم رسمی کشور اضافه شد.

▼ یک نام‌گذاری و دو صد خرج تراشی

شورایی انقلاب فرهنگی طی مصوبه‌ای که در سال ۷۹ به تصویب رساند، آیین‌نامه‌ای برای نام‌گذاری روزهای خاص در تقویم رسمی کشور تدارک دید. هدف از نام‌گذاری روزهای خاص، معرفی و بزرگداشت ارزش‌ها و تحکیم پیوندهای دینی، ملی، فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه ذکر شده بود که منجر به نوعی همدلی، همکاری و مشارکت عمومی شود. اما سوالی که وجود دارد این است که آیا اقدام برای مناسبت‌سازی‌ها و نام‌گذاری‌های جدید در هر تقویم، فقط یک تغییرنام ساده برای همدلی ملی است یا تبعات دیگری نیز به‌دنبال خواهد داشت؟ صرف‌نظر از اینکه سازوکار انتخاب این مناسبت‌ها و بزرگداشت‌ها چگونه است و چه مینا و اساسی پشت هر کدام از این گزینش‌هاست، باید توجه داشت که طبیعتاً پس از هر نام‌گذاری‌ای در سراسر کشور نهادهای دولتی و غیردولتی بسیاری به انحاء مختلف در صدد برگزاری مراسم بزرگداشت بر می‌آیند و باز هم طبیعتاً میلیاردها تومان از بودجه اختصاص یافته را خرج این مراسم خواهند کرد. علی‌القاعده هرچقدر هم مراسم، همایش، نشست، کنگره، جشنواره‌ها و مسابقات مختلف شکل و شمایل مجلل‌تری داشته باشند، انگار که پربارتر و اثرگذارتر خواهند بود. لذا پرواضح است که یک تغییر با افزودن نام در تقویم کشوری مثل ایران، فقط یک روند فرمالیته اداری نیست و با هر جابه‌جایی در تقویم، گویی که میلیاردها تومان جابه‌جایی می‌شود. جالب‌توجه است که با تمام این تفاسیل، سال به‌سال بودجه‌ی تخصیص یافته به نهادهایی از جمله این کشور افزایش می‌یابد. دولت برای بودجه سال ۱۴۰۲ دیرخانه این کشور، رقم ۴۲۰ میلیارد تومان را در نظر گرفته بود که مجلس آن را با ۲۴ درصد افزایش، به ۵۲۰ میلیارد تومان رساند و در مجموع نسبت به سال قبل ۶۰ درصد افزایش بودجه داشت. این عدد جدا از بودجه‌ای است که به نهادهای تشکیل‌شده تحت تصویب این شورا، مانند فرهنگستان زبان فارسی یا بنیاد سعدی، اختصاص یافته است.

▼ جایگاه شورا در نظام حقوقی ایران

کارشناسان حقوق و متخصصان حوزه قانون اساسی بر این باورند که شوراهایی مانند شورایی انقلاب فرهنگی از این دست نهادهای، از ابتدا، جایگاهی که خود قانون اساسی نداشته و ندارند. عده‌ای نیز بر این باورند که اصل شکل‌گیری و تدویم این نوع نهادهاستند به حکم شخص ولی فقیه است و از این جهت نیز ذیل قانون قرار می‌گیرد. حتی احکام این شورا در نظر برخی، حکم شرع و فراتر از قانون نیز محسوب می‌شود. چنانکه چندی پیش علی اکبر رشاد، عضو حقیقی شورایی انقلاب فرهنگی گفته بود: «مصوبات شورا در جایگاه حکم ولایت است و اگر غیر از آن عمل شود، خلاف شرع است.» درباره جایگاه شورایی انقلاب فرهنگی در سلسله مراتب نظام حقوقی ایران با وحید آگاه؛ عضو هیئت علمی دانشگاه علامه، گفت‌وگو کردیم. او قانون‌گذاری را فقط و فقط، شأن مجلس شورای اسلامی دانست و مصوبات نهادهایی چون شورایی انقلاب فرهنگی را مقرراتی ذیل این قوانین عنوان کرد: «در مورد شوراهای اداری اعم از اینکه شورایی باشند یا نه، برای تشکیل لزومی به درج در قانون اساسی نیست؛ شوراهایی می‌توانند در قانون اساسی مذکور باشند، می‌توانند خارج از قانون اساسی تشکیل شده باشند؛ اگر در قانون اساسی نباشند و به‌طور جداگانه ایجاد شوند، نیازمند قانون مصوب مجلس هستند، به عبارتی نه قوه قضائیه نمی‌توانند بدون قانون مصوب مجلس، یک شورا، اعم از شورایی یا شورای اداری ایجاد کنند. باید

اشاره کرد چیزی تحت‌عنوان شورایی انقلاب فرهنگی در قانون اساسی وجود ندارد و تا اینجا اشکالی پیش نمی‌آید، اما نکته اینجاست که این شورا هیچ‌وقت به موجب قانون مصوب پارلمان تشکیل نشده؛ بلکه از طریق حکم مستقیم مقام معظم رهبری تشکیل شده است. پس چگونگی ایجاد آن، محل تأمل است اما به قرینه قوانین و مقررات دیگری از جمله قوانین مصوب مجلس که در آن‌ها از این شورا نام برده می‌شود، می‌توان گفت این شورا وجود قانونی دارد؛ اما به‌نظر می‌رسد تشکیل اولیه آن خارج از نظام حقوقی ایران صورت گرفته است.

باید گفت که تفکیک قوا و شرح وظایف آن‌ها گزاره‌هایی پذیرفته‌شده در قانون اساسی است و قانون‌گذاری فقط و فقط شأن پارلمان ایران یا قوه مقننه است یا در شرایط خاص اختلاف مجلس و شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت گویی به مجلس الحاق می‌شود، به هر صورت نمی‌توان برای شورایی که نحوه شکل‌گیری اولیه آن هم محل اختلاف است، شأن قانون‌گذاری قائل شد. به عبارت دیگر به‌هیچ‌عنوان مصوبات و خروجی شورایی انقلاب فرهنگی نمی‌تواند در نظام حقوقی ایران قانون محسوب شود. لذا مصوبات این شورا نیز ذیل قانون اساسی و ذیل قوانین مجلس اجرا می‌شود و نمی‌تواند بالاتر از قانون اساسی یا قانون عادی قرار گیرد، در حوزه صلاحیت آن‌ها ورود کند یا نهادهای را تأسیس و وضع کند، چراکه نهادهاسازی نیز فقط در حوزه اختیار پارلمان ایران است. نهایتاً می‌توان گفت مصوبات شورایی انقلاب فرهنگی در حکم مقرراتی است که به‌شکل آیین‌نامه، نظام‌نامه یا دستورالعمل و... صادر می‌شود. نکته دیگر این است که این مقررات باید در حیطه صلاحیت شورا باشد؛ شورایی انقلاب فرهنگی نمی‌تواند قانون‌گذاری کند، اگر هم می‌گوییم می‌تواند مقرراتی وضع کند، این مقررات نباید مغایر با اهداف و وظایف وزارت فرهنگ، بهداشت، علوم و آموزش و پرورش باشد، چراکه این چهار وزارتخانه خود تابع قوانین مصوب مجلس هستند و این شورا در مقامی نیست که این قوانین را تخصیص بزند. بنابراین می‌توان گفت این شورا یک نهاد سیاست‌گذار فرهنگی است با حد و حدودی مشخص، لذا حیطه در صلاحیت سیاست‌گذار، مصوباتش قابل قبول و البته لازم‌الاجراست. اما اگر این نهاد از حیطه صلاحیت خود خارج شد یا از موقعیت خود سوءاستفاده و از حد خود تجاوز کرد و حقی را ضایع کرد، طبیعتاً در نهادهای حقوقی ایران قابلیت پیگیری قضایی دارد. دیوان عدالت اداری، یک دادگاه قضایی اداری در ایران است که دعای اداری در آن بررسی می‌شود. در تبصره ۲ الحاقی ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری -اصلاحیه ۱۰/۲/۱۴۰۲/ در ذکر شده که مصوبات شورایی فضای مجازی و شورایی انقلاب فرهنگی، در حیطه صلاحیت‌شان قابلیت ابطال در دیوان عدالت اداری را ندارند. می‌توان دو نتیجه گرفت: ۱- اگر مصوبه خارج از صلاحیت شورا بود، در دیوان عدالت اداری قابلیت ابطال دارد. ۲- تا به‌سال بودجه‌ی تخصیص یافته به نهادهایی از جمله این فرهنگ قابلیت ابطال ندارد و مصوبات ستادها، کمیته‌ها، کارگروه‌ها و باقی زیرمجموعه‌های آن همگی قابل ابطال است. پس می‌توان گفت همه اشخاص حقیقی، حقوقی، خصوصی، دولتی و حتی یک شهروند خارجی توان اقامه دعوا علیه این مصوبات را در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری دارد. گفتنی است این دادرسی ابطال مصوبات رایگان صورت می‌گیرد و در حالت کلی اثر ابطال نیز از زمان صدور رأی موافق هیئت عمومی است. باید توجه داشت که در شعب مختلف دیوان عدالت اداری نیز می‌توان از مصوبات شورایی انقلاب فرهنگی شکایت کرد. طبق قسمت الف بند ۱ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری، مردم می‌توانند این شکایت را صورت دهند.»

▼ تصمیمات آسمانی برای مردم زمینی

به‌طورکلی باید گفت از زمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۵۹ و بعد تبلور آن در قالب شورایی انقلاب فرهنگی، همواره منتقدان به فلسفه وجودی این شورا انتقاداتی را وارد می‌کردند. اما سواى از این مسائل، با فرض اینکه وجود این شورا از ملزومات سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور باشد، ناظر به عملکرد آن باید گفت به‌خصوص در سال‌های اخیر، برون‌داد رسانه‌ای مصوبات این شورا حاکی از عدم پیوند این اقدامات با توجه واقعی فرهنگ در ایران است. سال‌ها تلاش در قبال اسلامی‌سازی علوم انسانی‌ای که در جهان سنج‌های مشخص و چارچوب‌های معین خود را دارد از طرفی، اجرای مصوبات کنکوری و تصویب و تزیق روزبه‌روز نام‌های جدید در تقویم رسمی کشور و از طرف دیگر، نشانگر گستره وسیع سال‌ها اقدام نامعین، بعضاً غیرعملیاتی و بدون خروجی مؤثر است که شورایی انقلاب فرهنگی طی سال‌های اخیر با جدیت بیشتری، آن‌ها را در دستور کار خود قرار داده است. اقداماتی که در برخی موارد ناشی از بسنده کردن به سندنگاری‌های انتزاعی و عدم شناخت نیازهای مردمی است که در ایران امروز زندگی می‌کنند.

چهره

درگذشت نخستین ناشر زن ایرانی

شهلا لاهیجی، متولد سال ۱۳۲۱ نویسنده، مترجم، ناشر پرتلاش و مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان پس از یک دوره بیماری روز دوشنبه، ۱۸ دی در ۸۱ سالگی در بیمارستانی در تهران درگذشت. لاهیجی از ۱۶ سالگی عضو انجمن نویسندگان و روزنامه‌نگاران زن ایران بود و بعدها مؤسسه پژوهشی مرکز تحقیقات زنان را بنیان نهاد. او انتشارات روشنگران و مطالعات زنان را در سال ۱۳۶۲ پایه گذاشت و در سال ۲۰۰۱ جایزه آزادی نوشتن (Freedom to Write Awards) انجمن جهانی قلم (PEN) را دریافت کرد. لاهیجی به گفته انجمن قلم، با پایه‌گذاری انتشارات روشنگران و مطالعات زنان در سال ۱۳۶۲، نخستین ناشر زن ایرانی به‌شمار می‌رفت. از جمله تألیفات شهلا لاهیجی می‌توان به «سیمای زن در آثار بهرام بیضایی» و «شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش‌تاریخ و تاریخ» اشاره کرد. اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران در پیامی از درگذشت این نویسنده، مترجم، نخستین ناشر زن ایرانی و مدیرمسئول انتشارات روشنگران و مطالعات زنان خبر داد. در این اطلاعیه آمده است که مراسم تشییع و یادبود ایشان متعاقباً اعلام خواهد شد.



کتابخانه

دایرةالمعارفی در وصف سینمای ایران

کتاب «سینما در ایران»، با گردآوری محمدجواد باقری و حضور مهدیه قربانی، فاطمه بصیری، شیوا بسطامی، نگین مرادی، نگین وزیری و فرید قدیمی به‌عنوان نویسندگان این اثر در ۳۴۵ صفحه و با قیمت ۱۵۰ هزار تومان توسط انتشارات یاد آر میتا منتشر شد. این کتاب توسط دانشجویان رشته هنرهای نمایشی در ۷ فصل به‌صورت فردی ولی با تعامل درون گروهی با این منطق گردآوری شده است که یک هنرجوی سینما از هر مکان و ملیتی در جایگاه جست‌وجوگر بتواند با رجوع به آن، ابتدا از سیر تاریخی، سپس ژانرها و شرایط سینمای ایران مطلع شود و در آخر نیز با ساختار اداری و آکادمیک این حرفه آشنا شود. هیئت‌تحریریه در تلاش بوده‌اند که این کتاب را به‌عنوان دایرةالمعارفی در وصف سینمای ایران، به هنرجویان و متقاضیان کنکور سراسری و هنرمندان پیشکش کنند. این کتاب در ۷ فصل تدوین شده است.



سینما در ایران

گردآورنده:

محمدجواد باقری

نویسندگان: مهدیه

قربانی، فاطمه

بصیری، شیوا

بسطامی، نگین

مرادی، نگین وزیری

و فرید قدیمی

انتشارات: یاد آر میتا

تاریخ

پایان عملیات نصر



عملیات نصر، ۱۵ دی‌ماه ۱۳۵۹ به فرماندهی ارتش و همراهی سپاه پاسداران، بسیج و نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم در منطقه جنوب هویزه و کرخه‌کور و منطقه فارسیات واقع در جنوب اهواز آغاز شد.

این عملیات که ابتدا با موفقیت چشمگیری همراه بود، بر اثر پاتک‌های ارتش عراق با ناکامی مواجه شد و در نهایت ۱۹ دی‌ماه با عقب‌نشینی رزمندگان ایرانی به پایان رسید. در روز اول، ایرانیان ۸۰۰ عراقی را به اسارت گرفتند و غنایمی نیز تصاحب کردند اما در روزهای بعدی موفقیت با ایرانیان قرین نبود. در ۱۶ دی‌ماه ۱۴۰ نفر از رزمندگان، نیروهای داوطلب بسیجی و دانشجویان پیرو خط امام شهید شدند. ۱۷ دی‌ماه نیز دومین تیپ زهی ایران گرفتار پاتک شدید عراق شد و به‌شدت صدمه دید. این روند همچنان ادامه یافت و رزمندگان ایرانی در ۱۹ دی‌ماه ناچار به عقب‌نشینی کامل شدند و حداقل ۸۸ تانک را از دست دادند. در این روز، عملیات نصر بدون دستاورد فیزیکی و نیل به اهداف تعیین‌شده، پایان یافت. بعدتر با پیشروی نیروهای عراقی، هویزه در محاصره قرار گرفت و در ۲۷ دی‌ماه ۱۳۵۹ به اشغال آن‌ها درآمد و پس از ۱۶ ماه در ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۱، در عملیات بیت‌المقدس آزاد شد.